



مذمت دنیا

تقوی را حفظ کنید

حضرت دستور اکید می دهند که آگاه باشید، هم باید این تقوی را که بزرگترین نعمتهای الهی است، حفظ کنید و هم خود را بوسیله آن نگهدارید و از متحلاب فساد و تباهی و گناه بزرهائید. اگر می خواهید از آفات و هواها و هوسهای نفسانی رهایی یابید و اگر می خواهید از شر شیطان نجات پیدا کنید و اگر می خواهید از آتش دردناک جهنم و از غضب الهی، خود را رها سازید، پیوند خود را با تقوی قطع نکنید و لحظه ای از آن جدا نشوید، پس آگاه و هشیار باشید که تقوی را از دست ندهید زیرا وجود تقوی، شما را بهترین نگهبان است. تقوی نعمتی است والا و ارزنده که اگر آن را از دست ندادید و در هر صبح و شام و در هر زمان و مکان و در تمام احوال و اوضاع و حوادث و خوشبها و لذتها و نگرانیها و بلاها و سزاهای و سزاهای، به آن روی آوردید و از آن استمداد طلبیدید، شما را از انحراف و لغزش و گناه نکه می دارد و حفظ می نماید.

«وكونوا عن الدنيا زاهما، والى الآخرة ولاها».

به دنیا دل نبندید

شاهرا جمع نازه است مثل طلاب جمع طالب و نازه به معنای پاک و منزّه است. «كونوا عن الدنيا زاهما». به این معنی است که خود را به دنیا آلوده نکنید و «دنیا» مؤنث ادنی است که ادنی الفعل التفضیل دانی است بمعنای پست تر پس «دنیا» یعنی پست ترین عالم.

و لاه جمع واله است و واله کسی را گویند که به علت عشق و محبت زیاد، واله و سرگردان شده است. «الى الآخرة» متعلق به «ولاة» است یعنی عاشق آخرت باشید.

خود را منزّه و پاک کنید از این عالم که پست ترین و منحط ترین عوالم است و در مقابل عالم آخرت اصلاً بحساب نمی آید. البته خود را از دنیا پاک کنید و برهالید معنایش این نیست که در دنیا دست از هر فعالیت و تلاشی باید برداشت و مانند راهبان و گوشه نشینان، عزلت را اختیار کرد که اینچنین عزلت

الاصونوها وتصونواها، وكونوا عن الدنيا زاهما،
 قبالى الآخرة ولاها، ولا تضيوا من رفته التقوى،
 ولا ترموا من رفته الدنيا، ولا تهاوا بارقتها،
 ولا تسموا ناطقتها، ولا تهبوا ناعقتها ولا تضيوا
 بلائها، ولا تفتوا باعلاها، فإن رفته الخائب،
 وتظنها كاذب، وانماها غربة، واعلاها
 سلوبة الأدهم التصديبه العون، والجماعة
 الحرفن، والمانسة العوزن، والجمود الكورن،
 والعون الصدور، والجمود البورن.

بحث پیرامون خطبه ۲۳۳ نهج البلاغه با ترجمه فیض الاسلام و یا خطبه ۱۹۹ با شرح محمدعبده بود که سفارشات بسیار جالب و آموزنده حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد تقوی و محافظت و نگهداری آن در این خطبه شینوا مطرح شده است. در ادامه وصیت های حضرت به مسلمانان و مؤمنان بر لزوم تبعیت و پیروی از تقوی در تمام موارد و زمانها و مکانها و نگهداری و محافظت بر آن، که در شماره های گذشته بخشهایی از آن را توضیح دادیم، چنین می فرماید:

«ألا فصولها وتصونواها».

هان، تقوی را نگهدارید و خود را با تقوی حفظ کنید.

در اسلام نیست، بلکه معنایش این است که دلپسنگی به دنیا و مال دنیا نداشته باش. فعالیت و کوشش کن و برای خدا کار کن و پول را که با زحمت تهیه می کنی، ضمن اینکه مصرف خانواده و زن و فرزندت می کنی و وسائل رفاه آنها را آماده می سازی. که این خود عبادتی است. در راه خدا نیز مصرف کن؛ مدرسه ای بساز تا فرزندان بی بضاعت در آن تحصیل کنند، بیمارستانی بساز که بیماران را درمان بخشد، مرکزی بنا بگذارد که دردمندان را چاره ساز باشد.

خود را به دنیا آلوده نساز، معنایش این نیست که هیچ کار و منصبی را نپذیری، بلکه هر منصبی را بدست آوردی، برای خدا از آن راه به مردم خدمت کن، نه اینکه تمام تلاش و فعالیتت برای اشغال پست و مقامی باشد تا از آن طریق، بر مردم ظلم و اجحاف روا داری و یا اینکه فقط هم توریسین به مقام و جاه باشد؛ حب جاه و ریاست بد است نه اینکه اگر بتوانی از راه منصب، کاری بکنی یا خدمتی بکنی، از زیر بار مسئولیت خارج شوی.

پس فعالیت و تلاش در دنیا برای خدمت به بندگمان خدا، نه تنها دنیاپرستی نیست که عبادتی است بزرگ:

چیت دنیا از خدا غافل شدن

نی طلا و نلمره و فرزند وزن
مال را کز بهر دین باشی حمل

نعم مال صالح گفت آن رسول
اگر یک وقت دیدم شخصی از ما بهتر می تواند کاری را انجام دهد، حوصله اش بیشتر است، هوش زیادتری دارد، سابقه افزونتری دارد، و خلاصه بهتر می تواند، منصب مخصوصی را اشغال کند، بر ما لازم است که او را دعوت کنیم و به کار واداریم و با کمال فروتنی، خودمان از آن منصب کنار رویم و آن شخص دیگر را که بهتر از ما می تواند فعالیت کند، به جای خود بگذاریم، اگر چنین کاری کردیم معنایش این است که جاه طلب نیستیم و منصب را برای خدمت می خواهیم نه برای خود منصب! اینجین روحیه ای بایست در ما وجود داشته باشد. اگر چنانچه من حبت ریاست و جاه داشته باشم و با اینکه می دانم، برادر من بهتر از من می تواند کاری را که به عهد دام گذاشته اند انجام دهد با این حال مقام و ریاست به دلم چسبیده است و از آن نمی توانم دل بکنم، این حبت دنیا است و خطرناک است.

برادران و خواهران! زنهار که هدفان، خود منصب و مقام باشی. منصب وسیله ای است برای خدمت به بندگان خدا، پس به ریاست و مقام به عنوان یک وسیله نگاه کنبد نه هدف و در صورتی که به مقامی رسیدی و می توانستی در آن مقام، خدمتی بکنی و آن را وسیله قرار دادی، در آن صورت است که تمام لحظات خدمت شما عبادت می شود.

«ولا تضعوا من رفعة التقوی ولا ترفعوا من رفعة الدنیا».

کوچک شمارید کسی که تقوی بزرگش کرده و بزرگ شمارید کسی که دنیا بزرگش کرده است.

تقوی ملاک شخصیت است

کسی که دارای تقوی است و بواسطه تقوی، نزد خداوند عزیز و محترم است و تقوی او را بالا برده است، هرگز نباید توسط شما تحقیر شود و کوچک شمرده شود. هر چند پول و ثروت ندارد، مقام و ریاست ندارد. این زشت ترین روحیه است که مردان خدا و تقوایشان را به دید تحقیر بنگریم و چون پول و مقام ندارند برای آنها که خداوند بزرگشان کرده و گرامیشان داشته، ارزشی

قابل نشویم و از آن طرف اهل دنیا و پول پرستان و سرمایه داران را تنها به خاطر پول و سرمایه شان یا مقام و منصبشان احترام کنیم بلکه باید بعکس باشد، آن کسی که تقوی ندارد ولی مال و مکنت زیادی دارد، باید به دید تحقیر به او نگریست ولی اهل تقوی و مردان خدا را به دید احترام و تجلیل بنگریم و آنان را بزرگ بشماریم، هر چند از نظر پول و ثروت و مقام و حسب و نسب، در درجه پائینی باشند.

و همانگونه که خداوند در قرآن کریم می فرماید: «ان اکرمکم عندالله اتقاکم»، ملاک رفعت شان و بزرگی و الوامقامی انسان، منحصر آ تقوی است و لا غیر. واقعاً جای تأسف است که گاهی دیده می شود، برخی از افراد، ابتقدر خودشان را فراموش می کنند و دلباخته دنیا می شوند که برای ثروتمندان و زراندوزان فقط بخاطر ثروت و مالشان احترام قائل می شوند هر چند هیچ بهره ای از پول آنها نمی برند. یکی از دوستان می گفت: یک وقت مادرم به من گفت که هر وقت به فلان شخص می رسی. به او سلام کن و احترام بگذار. گفتم: چرا؟ گفت: برای اینکه او حقوق زیادی در راه می گیرد! گفتم: از حقوق کلان او چیزی عاید ما می شود؟ گفت: نه! گفتم: پس چرا به چنین شخصی احترام کنیم؟! آری، این خود یک مرتبه از حبت دنیا است!

البته اگر کسی که دارای مقام و منصبی است یا دارای مال و ثروتی است و آن مقام یا آن ثروت را در راه خدا و خدمت به خلق خدا مصرف می کند و اهل خیر است، جا دارد که مورد احترام و تقدیر قرار بگیرد، چون او اهل تقوی است و برای خاطر تقوایش باید مورد احترام قرار بگیرد.

«ولا تشیموا بارفها».

به زرق و برق دنیا چشم ندوزید.

به دنیا چشم ندوزید

در این بخش از خطبه، حضرت به مدعت دنیا اشاره کردند. پس از اینکه سفارش کردند که ملاک باید تقوی باشد نه مال و مکنت دنیا و مبادا کسی را که بواسطه دنیا شخصیت پیدا کرده مورد احترامان قرار گیرد، چون نام دنیا به میان آمد، حضرت بحث را به این طرف کشانده می فرماید: اگر دنیا با آن زرق و بسرقهایش بخواهد شما را فریب دهد، فریش نخورید، و به زرق و برقهایش چشم ندوزید.

لا تشیموا: شام یشیم بمعنای دل باختن و چشم دوختن است. لا تشیموا

یعنی چشم ندوزید.

بارق: ابر برقدار را می گویند که دلیل بر آمدن باران است و کنایه از ظاهر دنیا است.

حضرت در این جمله دنیا را به ابر برقداری تشبیه می کنند که کشاورزان چشم به او دوخته و منتظر بارش آن می باشند یعنی ظاهر آرامش و زیبایی دنیا فریستان نهد و شما را گول نزند، هرگز به این ظاهر فریبنده چشم ندوزید و دل نیازید که نه دوام دارد و نه ارزش.



درخشندگی‌ها، دروغین و گول زن است. امروز اگر دنیا جلوه‌ای کرد و فریض را خوردی، گذشته از اینکه از اموال خود باید بگذری که به آن لذت‌های دروغین دست یابی، در آخرت نیز باید پاسخگو باشی که این اموال را در چه راهی مصرف کردی!

و آنجا که حضرت فرمود گوش به سخنگوی دنیا ندهید در اینجا می‌فرماید: زیرا سخنگوی دنیا دروغگو است. دنیا شما را چنان فریب می‌دهد که خیال می‌کنید، برای همیشه جاویدان می‌ماند و از اموال و امتعه و لذت‌هایش بهره‌مند می‌گردید، ولی این اموال، هزاران آفت خواهند داشت، گواينکه کسی نمی‌تواند تضمین کند که تا چندسال دیگر زنده خواهید بود و از این پولها و لذتها استفاده خواهید کرد.

و آنجا که حضرت فرمود: به درخشندگی دنیا یعنی به اموال دنیا دل نبندید، در اینجا می‌فرماید: زیرا اموال دنیا غارت می‌شود و از تو گرفته می‌شود. محروبه: غارت شده.

و آنجا که فرمود: به متاعهای نفیض فتنه زده نشوید، در اینجا می‌فرماید: زیرا این متاعها نیز از شما گرفته می‌شود و چیزی برایتان باقی نمی‌ماند.

«الاولی المتصدية العزوب والجماعة الحرون والمائة الخوون والجمود الکتود والعود الصدود والحدود الیومید».

هان، این دنیا جلوه‌گری است ظاهر ساز و لگه‌پرائی است چموش و دروغگویش است خیانت کننده و انکارکننده، است ناسپاس و دشمنی است اعراضگر و میل کننده منحرفی است به باطل.

صفات دنیا

این دنیا دارای صفات بسیار بدی است، خود را برای شما می‌آراید و ظاهری زیبا برای خود می‌سازد که شما را بفریبد و گول بزند. این دنیا مانند حیوان چموشی است که لگه‌پرائی می‌کند، هنگامی که به این حیوان می‌نگری و آن را می‌بینی که به سرعت می‌تازد، خیال می‌کنی که می‌شود آن را سوار شد ولی هنگامی که بر آن سوار می‌شوی، تورا لگد زده در وسط رودخانه می‌اندازد و با اینکه با سرخشی حاضر نیست قدم از قدم بردارد و سوار می‌دهد.

این دنیا دروغگو، کذاب و خیانت کننده است، انکارکننده و ناسپاس است. حقی با اینکه می‌داند انکار می‌کند و تورا به انکار نیز وامی‌دارد و هر چه برای آن زحمت بکشی و تلاش و فعالیت بکنی، او همچنان ناسپاس و بی‌وفا است، عمرت را صرف کاخها و عشو‌گری‌ها و متاعهای نفیض می‌کنی ولی در یک لحظه که مرگت فرا رسد، تمام آن لذتها بر باد رفته، کاخها و اموال به دیگران می‌رسد و تورا چیزی جز بدبختی و فلاکت نمی‌ماند. پس ایقدر به آن گوش‌فرا نده و به این دشمن که در آخر می‌خواهد به تو اعراض کند، تورا امروز به آن اعراض و پشت کن. دنیا که می‌خواهد با تو قهر کند، تورا امروز با آن قهر کن. دنیا که تورا سپاس نمی‌گوید، تونیز به آن وفادار مباش. دنیا که به تو اعتماد ندارد، تونیز به آن اعتماد نکن.

دنیا تورا به سوی انحراف و باطل دعوت می‌کند، تو دعوتش را اجابت نکن و دست رد بر سینه آن بزن. ادامه دارد

«ولا تسمعوا ناطقها ولا تجیوا ناعقها».

به سخنگوی دنیا گوش ندهید و دعوت خواننده‌اش را اجابت ننمائید. اگر دنیا شما را به سوی خود فرا می‌خواند و با آرایشی فریفته شما را دعوت می‌کند، دعوتش را اجابت نکنید و سخنان دنیاپرستان را گوش ندهید که این کلاغهای سیاه شما را به فنا و نابودی و ذلت دعوت می‌کنند. ناطق: سخنگو. ناعق: کلاغی که صدا می‌کشد. نعیق: صدای کلاغ است.

«ولا تستنبئوا بأشراقها ولا تفتنوا بأعلاقها».

به درخشندگی ظاهر دنیا، طلب روشنائی نکنید و بوسیله متاعهای نفیض به فتنه نبندید. استضاء: طلب نور و روشنائی است. اشراق: درخشندگی است. لا تفتنوا: به فتنه نبندید. اعلاق: جمع علق به معنای متاع نفیض.

این درخشندگی ظاهری دنیا، نوری نیست که بتوان از آن استضاء نمود و روشنائی جویند، این درخشندگی زودگذری است که هرگز دوام ندارد و بزودی به تاریکی می‌گراید، پس به این فروغ دروغین، دل نبندید و ظاهر زیبای این زن عجوزه شما را نفرید. دنیا صورت خود را زیبا جلوه می‌دهد ولی در حقیقت صورتش زشت و سیاه است و این درخشندگی که در آن می‌بینید، بیشتر به سراپس می‌ماند که تشنگان را بغیال آب روان به سویش فرا می‌خواند و چون به آن برسند، چیزی را نمی‌بینند. این اشراق و درخشندگی، سراب است و خیال، از این خیالهای دروغین خود را سیراب نکنید و اموال قریبنداش شما را به فتنه نیندازد تا آنجا که از دین و ایمان و وجدان و انسانیت خود دست شسته و همه را زیر پا لگد کوب نمانید. نکند که یک وقت خدای نخواست یک کاخ زیبا یا یک اتومبیل آخرین سیستم یا یک مقام و منصب چند روزه دنیا شما را از خدا و حق و انسانیت دور کند. مگر خودتشی دانند که اگر این منصب‌ها دوام داشتند از دیگری به شما منتقل نمی‌شدند و اگر این کاخها و اتومبیل‌ها بقاء داشتند، از شما به فرزندانان نمی‌رسید!؟

«فإن برقها خالب وناطقها کاذب واموالها مطروبة واعلاقها مسلوية».

زیرا برق دنیا فریب‌انگیز و سخنش دروغ و اموالش غارت شده و متاعهای نفیض بی‌دوام است.

دنیا وفا ندارد

در آنجا که حضرت فرمود: به زرق و برق دنیا چشم ندوزید و سخنش را گوش ندهید و اموال و متاعهایش شما را به فتنه نیندازد، در این فراز از خطبه، در یک بلاغت بی‌ظفری، علت و دلیل آن سفارشها را بیان می‌کند که این لف و نشر مرتب است و در بلاغت، بسیار جالب است. می‌فرماید: اگر گفتم به زرق و برق دنیا دل نبندید و چشم ندوزید برای این است که این برق‌ها و